



بررسی ریشه های فقهی و حقوقی محاربین  
و بغاء  
و تطبیق آن با حقوق بشر

مؤلف  
آرش نافیان دهکردی

انتشارات قانون یار

۱۳۹۷

# فهرست مطالب

پیشگفتار

فصل اول

کلیات

فصل دوم

مروری بر پیشینه پژوهشی این اثر علمی

فصل سوم

مواد و روش ها

فصل چهارم

نتایج

فصل پنجم

بحث و نتیجه گیری

فهرست منابع

## پیشگفتار

با توجه به تصویب قانون مجازات اسلامی جدید در مورد محاربه (جرم علیه امنیت مردم) و بغی (جرم علیه امنیت حکومت)، قانون گذار در مورد ضمانت اجرای آن اشد مجازات (اعدام) را در نظر گرفته است. این در حالی است که سازمان حقوق بشر جهانی به عدم انجام تعهدات جمهوری اسلامی ایران به مفاد میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی انتقادات شدیدی وارد نموده است. بر این اساس در این پژوهش دو عنوان عمده و برجسته محاربه و بغی، ابتدا از لحاظ لغوی، فقهی و حقوقی بررسی و بعد ارکان هر یک از آن ها بیان و ریشه یابی شد. در نهایت با تنظیم پرسشنامه ای، دانش و تجربیات

جمعی از وکلا و قضات شهرستان شهرکرد و اصفهان در این زمینه مورد ارزیابی قرار گرفت تا با استناد به نظرات آنان، امکان استنباط دقیق و صحیح از این مسئله در جامعه حقوقی حال حاضر فراهم شود.

از دیدگاه جامعه مورد بررسی، قوانین فقهی محاربه و بغی که برگرفته از قرآن و سیره پیامبر و ائمه است بر نحوه تصویب قانون مجازات اسلامی جدید موثر بوده و قانون گذار برای تصویب مصوبات جدید از قوانین فقهی استنباط صحیحی داشته است. از طرفی بدنبال تجزیه و تحلیل داده ها مشخص شد افراد بر این باورند که بازدارندگی قوانین تصویب شده بر نظام اسلامی و پیش گیری از جرم و ثبات سیاسی موثر است. با این حال قوانین

بغی از دیدگاه آن‌ها تضمین‌کننده کامل امنیت و آزادی بیان و عقیده افراد نبوده و بر جامعه بین‌المللی حقوق بشر دارای بازخورد مثبت نیست. همچنین از برخی مراجع معظم تقلید خواسته شد که در رابطه با الزام رعایت این مفاد و اجرای احکام شرع اسلام در قوانین جمهوری اسلامی ایران پاسخ دهند. با استنباط از سخنان ایشان به نظر می‌رسد که حقوق بشر ابزار سیاسی در اختیار قدرتمندان است و اگر قانون مجازات مصوبه بر گرفته از کتاب و سنت و احکام اسلامی باشد قابل تغییر نیست و قوانین اسلام با مصلحت‌اندیشی انسان‌ها دگرگون نمی‌شود. بر این اساس جمهوری اسلامی ایران، در رد اتهامات و انتقادات مطروحه

استدلال نموده است که حقوق قضایی و مدنی جمهوری اسلامی ایران بر اساس تعالیم اسلام می باشد و نظام حقوقی اسلام بخصوص تاکید به حقوق بشر دارد و کلیه مقررات بین المللی را در صورتی که مغایرتی با قوانین اسلامی نداشته باشد محترم می شمرد. جمهوری اسلامی ایران مایل به همکاری با مجامع بین المللی است ولی این بدان معنا نیست که این کشور حاضر است اصول اسلامی را نادیده بگیرد.



# فصل اول

## کلیات

### مقدمه

استفاده از احکام اسلامی و واژه های قرآنی بدون توجه به معنی دقیق و درست آن، در برخی موارد شاید نوعی بدعت گذاری یا تحریف تلقی شود. واژه های «محارب و بغی» و احکام مترتب بر آن ها که در قرآن و سنت به کار رفته به تازگی در برخی خطابه ها بگونه ای نمایان شده که گویی با معنی حقیقی آن هیچ تطابقی ندارد. به طوری که پیش فرض های سیاسی در معنای قرآن تحمیل گشته است. در این میان ممکن است پاره ای از معترضان

را که در برخی تجمعات شرکت جسته اند و احیانا شعارهای دور از انتظاری داده اند «محارب و باغی» بنامیم. ولی آیا صدق این جرایم در این گونه موارد صحیح است؟ و می توان آدمیان را با برداشت سطحی از آیات و روایات، با عنوان این جرایم یکی دانست؟ یا این واژه و احکام آن در این موارد صدق نخواهد کرد؟ این در حالی است که فلسفه تحقق اسلام در جامعه کاهش جرم و بزهکاری های اجتماعی و سیاسی است، هدف اصلی اسلام و قرآن این است تا با ایجاد عدالت و آزادی بیان عقیده و اندیشه، بروز اخلاق انسانی را به معنی واقعی تحقق بخشد. نکته مهم تر که باید به آن توجه کرد سخن پیامبر (ص) است که توجه قضات و حاکمان اسلامی را در حفظ جان مردم لازم داشته و دستور

صریح ایشان آن است که در موارد مشکوک در اجرای حدود باید هر نوع اجرای حدی را متوقف کرد بویژه آن که بخواهند کسی را اعدام نمایند. قاعده ادرئو الحدود بالشبهات<sup>۱</sup> در فقه اسلام شاید دشوارترین کار، اثبات جرمی باشد که مجازات اعدام بر آن اطلاق شده است. اصولاً اعتراض و فریاد، حق هر انسانی است. خداوند متعال می فرماید: «لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَ كَانَ اللَّهُ سَمِيعاً عَلِیماً: خداوند بدگویی بلند و آشکار را دوست ندارد، جز برای کسی که بر او ستم رفته باشد، و خداوند همواره شنوا و داناست» (النساء آیه ۱۴۸). قانون اساسی نیز

<sup>۱</sup> وسائل الشیعه، ج ۴، ص ۲۴

این حق را به رسمیت شناخته است. اشخاصی که قانون محاربه و بغات را طرح کرده اند لازم است به عنوان وکلای قانون گذار مردم نظری به قانون مجازات اسلامی که به تصویب رسیده است بیاندازند. آیا چنین قوانینی اجازه می دهد هر کسی را به جرم اعتراض یا حتی شعار ساختارشکنانه، محارب و باغی دانست؟ سخن در این مباحث در کتب فقهی فراوان است. این در حالی است که فلسفه نزول ادیان برای راحت کردن انسان و آزادی او از تمام بلاهای اجتماعی است. اگر نظری بر کرامت انسان از نگاه اسلام انداخته شود شاید نیاز به تاملی تازه بر جزئیات اسلام و انسان مجرم وجود داشته باشد. البته شایسته است که فقهای بزرگ اسلام با توجه به فلسفه انسان در قرآن، در کنار

کتاب های پر حجم فقهی، نگاه عمیق تر به فلسفه فقه داشته باشند. تا روح عدالت و کرامت بر تمامی احکام فقهی سایه افکند.

## ۲. اهداف و فرضیه های پژوهش

با توجه به تصویب قانون مجازات اسلامی جدید در مورد محاربه (جرم علیه امنیت مردم) و بغی (جرم علیه امنیت حکومت)، قانون گذار در مورد ضمانت اجرای آن اشد مجازات (اعدام) را در نظر گرفته است. این در حالی است که سازمان حقوق بشر جهانی به عدم انجام تعهدات جمهوری اسلامی ایران به مفاد میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی انتقادات شدیدی وارد نموده است. بر این اساس در این پژوهش دو عنوان عمده و برجسته محاربه و بغی

که هم در قران و حدیث ذکر شده و هم علما و مراجع دین از صدر اسلام تا کنون در کتب فقهی خود بدان پرداخته اند و هر دو به طور قطع از جرایم علیه امنیت می باشند و بسیاری از اندیشمندان اسلامی آن عناوین را کلا یا جزءا از مصادیق جرم سیاسی دانسته اند، ابتدا از لحاظ لغوی، فقهی و حقوقی بررسی شده و در ثانی ارکان هر یک از آن ها بیان و ریشه یابی می شود. سپس در خصوص رابطه هر یک از این عناوین با دیگری و موارد افتراق و اشتراک آن، پیرامون حدود انطباق هر یک از این جرایم با اعلامیه جهانی حقوق بشر اظهار نظر می شود. در نهایت با تنظیم پرسشنامه ای، دانش و تجربیات جمعی از وکلا و قضات شهرستان شهرکرد و اصفهان در این زمینه مورد ارزیابی قرار گرفته تا با

استناد به نظرات آنان، امکان استنباط دقیق و صحیح از این مسئله در جامعه حقوقی حال حاضر فراهم شود. به طوری که جوانب فقهی و حقوقی مجرمین علیه امنیت ملی (محرابین) و امنیت حکومت اسلامی (بغات) در مقایسه با اعلامیه جهانی حقوق بشر مورد نظر سنجی قرار گرفته و میزان تاثیر تصویب این جرایم بر بازدارندگی و کاهش جرم محاربه و بغات از نظر وکلا و قضات سنجیده شود. از آنجایی که افراد و گروه‌هایی، کم و بیش، تحت این عنوان مورد بازخواست و حتی محاکمه قرار گرفته اند، امید است با بیان مفهوم لغوی و اصطلاحی آن‌ها و بررسی ارتباطشان با حقوق بشر و جایگاه آن در

قانون جزای اسلامی نحوه و طریقه مواجهه درست با آن روشن تر شود.

همچنین از برخی مراجع معظم تقلید خواسته شد که در رابطه با این پرسش ها پاسخ گویند: با توجه به الزام رعایت این مفاد و اجرای احکام شرع اسلام در قوانین جمهوری اسلامی ایران، و در نظرگیری آنکه احکام تابع مصالح و مفاسداند و این مصالح و مفاسد با تغییر اوضاع و احوال و شرایط قابل تبدیل و تغییر می باشند، در صورتی که عقل انسان با داشتن ابزار خاص تشخیص دهد مصلحت تبدیل به مفسده شده است، آیا می توان قائل به تغییر حکم فوق شد؟ مبنا بر چه شروطی می تواند تغییر کند؟ آیا می توان با در نظرگیری به تحول شرایط و مقتضیات زمانی، و حفظ مصالح ملی و بین المللی، اشد مجازات برای



این جرایم را کاهش داد؟ چه جایگزینی می توان در عمل برای آن ها ارائه نمود؟ آیا تغییر در ماهیت این مجازات می تواند صحیح باشد؟ در تعارض حقوق بشر و مصلحت کدامیک اولویت دارند؟ آیا می توان مجازاتی انعطاف پذیر برای این جرایم در نظر گرفت؟ در آخر با توجه به این که قانون گذار اختیار انتخاب بین اعدام، صلب، قطع دست و پا و نفی بلد را به قاضی داده است و با عنایت به امر مصلحت آیا شما سفارش می کنید که دو مورد اعدام و قطع دست و پا را در احکام صادره خود استفاده نکنند و از آن پرهیز نمایند؟ و چه راه کاری در این رابطه پیشنهاد می شود؟

## ریشه های فقهی و حقوقی محاربین تعریف لغوی محاربه

حرب سلب مال و نقیض سلم (صلح) است. سلیم نیز فردی است که دیگران از اذیت و تجاوز او در امانند و از او بر جان و مال و آبروی خود ترسی ندارند (احمدی المیانجی، ۱۳۳۹). پس با توجه به این معنا، محاربه که از باب مفاعله به معنای مقاتله است، فردی می باشد که با ایجاد ترس، آسایش و امنیت را از مردم سلب کرده و بر جان و مال و آبروی آن ها تعدی کند.

با توجه به نظر لغت دانان برجسته ادبیات عرب، در ارتباط با نوع تناسب کاربرد واژه حرب در معنای جنگ، دو امر مهم قابل توجه است. یکی از آن ها استعمال این کلمه برای غارت اموال و به یغما بردن

می باشد. همواره این نکته از کسی پوشیده نیست که اکثریت قریب به اتفاق جنگ ها در گذشته برای غارت اموال دیگران و تصاحب دارایی های آن ها بوده به طوری که نوعی ملازمه در میان این دو عمل یعنی جنگیدن و غارت وجود داشته است. در استعمال دیگر، حرب در مقابل صلح و آرامش قرار گرفته است. بنابراین، با درک این مطلب که واژه حرب برای جنگ، صلب و غارت اموال به کار می رود، با معنای عدم امنیت و آرامش هم تراز می شود (محقق داماد، تقی زاده، ۱۳۸۸).

از طرفی راغب اصفهانی در معنی حرب چنین گفته است: حرب واژه معروف و روشنی به معنای به غارت بردن و بیغما بردن در ضمن جنگ است

که سپس معنای آن توسعه یافت و بطور مطلق، در مورد سلب غارت و مال بکار رفت (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲). در مجمع البحرین نیز گفته شده: اطلاق واژه حرب بر کسی که برای جنگیدن یا ترساندن دیگران سلاح کشیده باشد به این اعتبار است که او می خواهد جان و مال یا قدرت یا ملک دیگری را از او بگیرد. در آیه شریفه ۳۳ سوره مائده برای بیان عزم و اهمیت مطالب، محاربه با مسلمانان به منزله محاربه با خدا و پیامبرش قرار گرفته است (طریحی، ۱۳۷۵).

### تعریف اصطلاحی محارب در فقه

دلیل فقها در تعریف اصطلاحی محاربه، استناد آنان به کتاب و رجوع به آیاتی مانند آیه ۳۳ سوره المائده است (البته کلمه حرب - ریشه محاربه - حدود شش بار در آیات تکرار شده است). خداوند

متعال در آیه ۳۳ سوره المائده می فرماید: « **إِنَّمَا**

**جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَ يَسْعَوْنَ**

**فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ**

**أَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ مِنْ خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ**

**الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي**

**الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ**» (کیفر آنها که با خدا و

پیامبرش به جنگ برمی خیزند ، و اقدام به فساد در

روی زمین می کنند ، ( و با تهدید اسلحه ، به جان و

مال و ناموس مردم حمله می برند ، ) فقط این است

که اعدام شوند یا به دار آویخته گردند یا ( چهار

انگشت از ) دست ( راست ) و پای ( چپ ) آنها ،

بعکس یکدیگر ، بریده شود و یا از سرزمین خود

تبعید گردند. این رسوایی آنها در دنیاست و در آخرت، مجازات عظیمی دارند)

برخی از فقها گاه با ذکر قیودی دایره مفهوم محارب را محدود تر و برخی دیگر با حذف برخی از قیود، مفهوم آن را وسعت بخشیده اند. به طوری که، شهید اول در کتاب الدروس الشرعیه، محارب را این گونه تعریف کرده است: "محارب کسی است که برای ترساندن سلاح بکشد، در شهر یا غیر آن، شب یا روز، اگرچه زن باشد به شرطی که از تبهکاران باشد، ولو گمان آن برود" (محمد بن مکی، ۱۴۱۲). از طرفی، صاحب جواهر در تعریف محارب از شهید ثانی در مسالک الافهام، چنین آورده است که: "هرکسی که سلاح بکشد، برای ترساندن مردم در خشکی باشد یا در دریا، در شب

باشد یا در روز در شهر و غیر آن باشد و قصد ترساندن مردم را داشته باشد، بدون این که گرفتن مال شرط شده باشد، محارب است. پس همین که قصد ترساندن را داشته باشد کافی است." قدر یقین است که از دیدگاه ایشان برای تحقق محاربه دو شرط دیگر لازم است: یکی کشیدن سلاح و حمل آن بوده و دیگری قصد ترساندن مردم، که قاعدتا شامل صلب آزادی و امنیت مردم هم می شود. از طرفی صاحب جواهر تعریف خود را از محارب به این شکل بیان نموده است: "محارب کسی است که سلاح خود را برای ترساندن مردم بیرون کشد و یا آن را حمل نماید." در این تعریف قید حمل سلاح و

انگیزه ایجاد رعب و وحشت مردم نیز اضافه شده است (نجفی، ۱۴۰۴ ه ق).

از میان علما شیخ طوسی در کتاب نهایی<sup>۱</sup> تعریف مشهور فقهای امامیه را پذیرفته و بیان کرده: “محارب کسی است که سلاح، آشکار کند و از اهل ریه باشد، در شهر باشد یا در غیر آن، در بلاد اسلام باشد یا در بلاد کفر، در شب باشد یا در روز، پس هر گاه چنین کند محارب است.” این تعریف را می توان تعبیر اکثر فقهای امامیه دانست.

علامه حلی نیز در باب حدود، کتاب قواعد الاحکام<sup>۲</sup> گفته است: “محارب به کسی گویند که برای ترساندن مردم سلاح بکشد؛ در خشکی یا دریا

---

<sup>۱</sup> طوسی، نهاییه فی المجرّد الفقه و الفتاوی

<sup>۲</sup> علامه حلی، ج ۳، ص ۵۶۸



، شب یا روز شهر یا غیر آن و شرط نیست که مرد باشد<sup>۱</sup>. فاضل هندی در کتاب کشف اللثام<sup>۱</sup> و فخرالمحققین<sup>۲</sup> در ایضاع الفوائد، در شرح این کتاب، این تعریف را پذیرفته اند.

امام خمینی (ره) در تحریرالوسیله می نویسند: “المحارب: هو کلّ من جرّد سلاحه او جهّزه لاخافه النّاس و اراده الافساد فی الارض” محارب کسی است که سلاح خود را برهنه یا آماده می کند و هدف او ترساندن مردم و ایجاد فساد در زمین می باشد (موسوی خمینی، ۱۴۰۳). از این عبارت چنین

---

<sup>۱</sup> فاضل هندی، کشف اللثام، ۲ جلد، چاپ سنگی، قم، مکتبه آیه الله مرعشی

نجفی، ۱۴۰۵ ق

<sup>۲</sup> فخرالمحققین، ایضاع الفوائد ج ۴، ص ۵۳۲

بر می آید که ایشان علاوه بر تجرید سلاح و ترساندن مردم و ارباب، اراده فساد فی الارض را نیز برای تحقق جرم و وجوب مجازات لازم می دانند.

با توجه به نظرات مختلف فقها شیعه در تعریف و تفسیر اصطلاح محارب، از این سخنان چنین به دست می آید که همگی بر کشیدن سلاح به مجرد ترساندن مردم اتفاق نظر دارند و آن را مقید نموده اند. چنان که در مبسوط و نهاییه و حدود سرائر و شرایع و قواعد و ارشاد و دروس آمده است.

## **مصادیق محارب در قرآن و روایات**

در این بخش به بررسی ریشه های قرآنی محارب و ریشه های روایی و مصادیق محاربین خواهیم پرداخت:

**ریشه های قرآنی محارب:** مباحث پیرامون  
ریشه های قرآنی محارب در دو بخش قابل ذکر  
می یاشند:

**الف- استعمال واژه حرب:** موارد مورد  
استعمال واژه حرب و مشتقات آن در قرآن کریم  
شش بار (در آیات ۱۰۷ سوره توبه، ۶۴ و ۳۳ المائده،  
۲۷۹ البقره، ۵۷ انفال و آیه ۴ سوره المحمد) استعمال  
شده است. در آیه ۲۷۹ البقره ربا خواری جنگ با  
خدا و رسول شمرده می شود. در آیه ۱۰۷ سوره  
التوبه نیز در مورد ساخت مسجد به دست منافقان  
برای دین زدایی، که از مصادیق ناامنی فرهنگی  
است، هشدار داده شده است و آن را ساخت سنگر  
برای دشمنان خدا معرفی می کند. از طرفی، در آیه

۳۳ سوره المائده، استفاده از زور و قدرت و اسلحه برای ترساندن مردم را که از مصادیق برهم زدن امنیت اجتماعی است بازگو می نماید.

در این آیات مجازات برهم زندگان امنیت جامعه اسلامی بیان، و سخت ترین مجازات برای آن ها در نظر گرفته شده است. در بین این اعمال، سخت ترین مجازات شامل گروهی گردیده که امنیت و نظم به وجود آمده از دین خدا و هدایت حکومت پیامبر را به هم می زند. به طوری که در صدر آیه ۳۳ سوره المائده با جمله «انما» که مفید حصر است مجازات ها منحصر می شود و دوم این که عمل آن ها را دشمنی با خدا و رسول او معرفی می کند و مجازات سخت و شدید دنیا را ناچیز و مجازات آخرت را عظیم توصیف می کند. و سوم این که در تمام حدود،

قبل از اقامه دلیل و اثبات توبه مجرم پذیرفته است؛  
در حالی که زمان قبول این جرم محدود به قبل از  
دست گیری است (احمدوند، ۱۳۸۷).

**ب- ترجمه، شان نزول و تفسیر آیه ۳۳ و ۳۴**  
سوره المائدہ: **إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ  
وَ رَسُولَهُ وَ يَسْعُونَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا  
أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ وَ أَرْجُلُهُمْ مِنْ  
خِلَافٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ  
فِي الدُّنْيَا وَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ (۳۳)  
إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا  
عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (۳۴).**

- ترجمه: سزای کسانی که با خدا و رسول  
او می ستیزند، و برای گستردن فساد در زمین تلاش

می کنند ، - در قانون اسلام- این است که یا کشته شوند و یا بدار آویخته گردند، و یا دست چپ و پای راستشان و یا بر عکس بریده شود و یا به دیاری دیگر تبعید شوند، - تشخیص اینکه مستحق کدام عقوبتند با شارع است- تازه این خواری دنیایی آنان است و در آخرت عذابی بسیار بزرگ دارند. مگر آن ها که قبل از دست یافتن شما بر آنان توبه کنند ، بدانید خدا توبه آن ها را می پذیرد خداوند آمرزنده و مهربان است

- **شان نزول:** در شان نزول این آیه چنین نقل کرده اند که: جمعی از مشرکان خدمت پیامبر آمدند و مسلمان شدند اما آب و هوای مدینه به آن

ها نساخت، رنگ آن ها زرد و بدنشان بیمار شد. پیامبر (ص) برای بهبودی آن ها دستور داد به خارج مدینه در نقطه خوش آب و هوایی از صحرا که شتران زکات را در آنجا به چرا می بردند، بروند و ضمن استفاده از آب و هوای آنجا از شیر تازه شتران به حد کافی استفاده کنند. آن ها چنین کردند و بهبودی یافتند اما به جای تشکر از پیامبر (ص) چوپان های مسلمان را دست و پا بریده و چشمان آن ها را از بین بردند و سپس دست به کشتار آن ها زدند و شتران زکوة را غارت کرده و از اسلام بیرون رفتند. پیامبر (ص) دستور داد آن ها را دستگیر کردند و همان کاری که با چوپان ها انجام داده بودند به عنوان مجازات در باره آن ها انجام یافت

(چشم آن ها را کور کردند و دست و پای آن ها را بریدند و کشتند تا دیگران عبرت بگیرند و مرتکب این اعمال ضد انسانی نشوند). آیه فوق در باره این گونه اشخاص نازل گردید و قانون اسلام را در مورد آن ها شرح داد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶).

- **تفسیر آیات:** این آیه در حقیقت بحثی را که در مورد قتل نفس در آیات سابق بیان شد تکمیل می کند و جزای افراد متجاوزی را که اسلحه بروی مسلمانان می کشند و با تهدید به مرگ و حتی کشتن، اموالشان را به غارت می برند، با شدت هر چه تمام تر بیان می کند، و می گوید: کیفر کسانی که با خدا و پیامبر به جنگ بر می خیزند و در روی زمین دست به فساد می زنند این است که یکی از چهار مجازات در مورد آن ها اجراء شود: نخست اینکه



کشته شوند، دیگر اینکه به دار آویخته شوند، سوم این که دست و پای آن ها به طور مخالف (دست راست با پای چپ) بریده شود، چهارم اینکه از زمینی که در آن زندگی دارند تبعید گردند.

در اینجا به چند نکته باید توجه کرد:

۱- منظور از محاربه با خدا و پیامبر آنچنان که در احادیث اهل بیت وارد شده و شان نزول آیه نیز کم و بیش به آن گواهی می دهد این است که: کسی با تهدید به اسلحه به جان یا مال مردم تجاوز کند، اعم از اینکه به صورت دزدان گردنه ها در بیرون شهرها چنین کاری کند و یا در داخل شهر، بنابراین افرادی که حمله به جان و مال مردم می کنند نیز

مشمول آن هستند. ضمناً جالب توجه است که محاربه و ستیز با بندگان خدا در این آیه به عنوان محاربه با خدا معرفی شده و این تأکید فوق العاده اسلام را در باره حقوق انسان ها و رعایت امنیت آنان ثابت می کند.

۲- منظور از قطع دست و پا طبق آن چه در کتب فقهی اشاره شده همان مقداری است که در مورد سرقت بیان گردیده یعنی تنها بریدن چهار انگشت از دست یا پا می باشد.

۳- آیا مجازات های چهارگانه فوق جنبه تخیری دارد یعنی حکومت اسلام هر کدام از آن ها را در باره هر کسی صلاح ببیند اجرا می کند، و یا متناسب با چگونگی جرم و جنایتی است که از آن

ها انجام گرفته؟ اگر افراد محارب دست به کشتن انسان های بی گناهی زده اند مجازات قتل برای آن ها انتخاب می شود و اگر اموال مردم را با تهدید به اسلحه ببرند انگشتان دست و پای آن ها قطع می شود و اگر هم دست به آدم کشی و هم سرقت اموال زده باشند اعدام می شوند و جسد آن ها برای عبرت مردم مقداری به دار آویخته می شود و اگر تنها اسلحه به روی مردم کشیده اند بدون اینکه خونی ریخته شود و یا سرقتی انجام گیرد به شهر دیگری تبعید خواهند شد. بدون شک، معنی دوم به حقیقت نزدیک تر است، و این مضمون در چند حدیث که از ائمه اهل بیت (علیهم السلام) نقل شده وارد گردیده است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶).

**ریشه های روایی و مصادیق محاربین:** در بیشتر روایاتی که در باب محاربه آمده است، مصادیق آن ذکر شده است: برای دست یابی به تعریف محاربه از دیدگاه ائمه، روایات مربوط به آن را بیان می کنیم:

۱- امام باقر (ع) فرمود: "هر کس به هنگام شب با اسلحه بگردد محارب محسوب می شود مگر آن که از اهل ریه نباشد" (کلینی، ۱۴۱۵). منظور از عبارت «اهل ریه نباشد» این است که از کسانی نباشد که مانند پاسبان و امثال آن مورد تهمت نمی باشند و وظیفه آن ها ایجاب می کند که شب ها با اسلحه گشت زنی کنند. در این روایت، مطلق کسانی

که بدون مجوز در شب با اسلحه بگردند، محارب شناخته شده اند.

۲- در جایی دیگر امام باقر (ع) فرمودند: “کسی که در شهری از شهرها اسلحه خود را برهنه نماید کسی را مجروح نماید قصاص شده و تبعید می شود و اگر در شهری اسلحه کشیده و مرتکب ضرب و جرح و اخذ مال شود در حالی که کسی را نکشته باشد، او محارب بوده و مجازات او، مجازات محارب است” (حر عاملی، ۱۴۰۹). در این روایت، مجرب برهنه نمودن سلاح، بدون این که اقدامی از سوی محارب انجام شود، مورد حکم قرار نگرفته است و حکم مواردی را بیان نموده اند که علاوه بر دست بردن به سلاح، تعرضی صورت گرفته باشد.

۳- امام باقر (ع) در روایت دیگری نیز فرمودند:  
“کسی که در شهری از شهرها سلاح خود را برهنه سازد و مرتکب جرح شود، قصاص شده و از آن سرزمین تبعید می شود.” تا آن جا که از امام سوال شد: اگر اولیاء مقتول گذشت نمودند؟ امام فرمود:  
“بر امام است که او را بکشد زیرا او محارب است و مرتکب قتل و سرقت گردیده است.” از امام سوال شد: اگر اولیاء مقتول بخواهند که از او دیه بگیرند و رهایش سازند؟ امام فرمود: “نه ، باید کشته شود” (کلینی ، ۱۴۱۵). در این روایت تاکید شده است که محاربه یک جرم عمومی است. دلیل مجازات سنگین محارب، ایجاد ناامنی و خوف عمومی در جامعه است. در مورد خسارات جانی و مالی که به

مجنی علیه وارد شده، محارب، حسب مورد به دیه یا قصاص محکوم می شود.

۴- از امام صادق (ع)، از قول خداوند عزوجل سوال کردند که فرمود: «نَمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ - تا آخر آیه»؛ آن حضرت در پاسخ این چنین فرمود: «اگر محارب بکشد و بجنگد و مال نبرد، او را بکشند و هرگاه بجنگد و بکشد، او را بکشند و به دار آویزند و هرگاه بجنگد و مالی بستاند و کسی را نکشد، دست راست او را قطع کنند و پای چپش را و اگر بجنگد و کسی را نکشد و مالی را نبرد او را نفی بلد و تبعید کنند و سزاوار است که نوعی نفی بلد شود که شبیه به دار آویختن و کشتن

باشد و پای او را چیز سنگینی ببندند و او را به دریا اندازند” (شیخ صدوق، ۱۴۱۳).

۵- سوره بن کلیب گوید: “به امام صادق (ع) عرض کردم: شخصی به قصد مسجد یا به حاجتی از منزلش بیرون آمد و مردی او را دید یا سر راه او را گرفت و ضربتی بر او زد و جامه اش را ربود چه کند؟ فرمود: علمای بلد شما چه نظری می دهند؟ عرض کردم: گویند این راهزنی و اختلاس است نه سرقت، و عامل را محارب ندانند و گویند محارب در بلاد شرک است، فرمود: کدام یک احترامشان بیشتر است؟ دارالاسلام یا دارالشرک، گوید: عرض کردم دارالاسلام، فرمود: اینان از اهل این آیه باشند « **إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ**



«....» (شیخ صدوق، ۱۴۱۳). نکته ای که در این روایت وجود دارد این است که؛ تعرض به مال دیگران با قهر و غلبه و ضرب، محارب شناخته شده و اشاره ای به همراه داشتن یا نداشتن اسلحه نشده است.

۶- امام صادق (ع) از پدرش و او از امام علی (ع) نقل نموده اند: “در مورد مردی که با آتش به خانه قومی روی آورده و خانه را با اموال داخل آن به آتش کشیده، حکم نموده اند که قیمت خانه و آنچه داخل خانه بوده را به عنوان خسارت پرداخته و کشته می شود” (حر عاملی، ۱۴۰۹). نکته ای که در این روایت وجود دارد این است که محاربه با تعرض

به دیگران و ایجاد ناامنی با ابزاری غیر از سلاح،  
مانند آتش نیز تحقق پیدا می کند.

به طور خلاصه می توان گفت: وجه اشتراک این  
روایات، سلب امنیت عمومی و ایجاد خوف در مردم  
توسط محارب است. تعرض به مال و جان و نوامیس  
مردم با قهر و غلبه و از روی ظلم چه در داخل شهر  
ها و چه در خارج آن و چه با اسلحه سرد و یا غیر  
آن مانند آتش و ... ، از مصادیق ایجاد ناامنی در  
جامعه و محارب است. همچنین از اطلاق و عموم  
این روایات برداشت می شود که کشیدن اسلحه علیه  
هر کس در هر زمان و هر مکان با انگیزه نامشروع به  
صورتی که موجب سلب امنیت عمومی و ترساندن  
مردم شود ، محارب است (توکلی، ۱۳۹۱).

## تعریف محاربه و مصادیق آن در اصطلاح حقوقی:

در مورد معنای محاربه از نظر قانون گذار ایران، طبق ماده ۲۷۹ (قانون مجازات اسلامی جدید مصوب سال ۱۳۹۲)، محاربه “عبارت از کشیدن سلاح به قصد جان، مال یا ناموس مردم یا ارباب آن ها است به نحوی که موجب نا امنی در محیط گردد. هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد و نیز کسی که به روی مردم سلاح بکشد، ولی در اثر ناتوانی موجب سلب امنیت نشود، محارب محسوب نمی شود.” در ماده ۲۸۰ نیز آمده است

“فرد یا گروهی که برای دفاع و مقابله با محاربان، دست به اسلحه ببرد محارب نیست.”

بدین ترتیب، علاوه بر وجود سوء نیت عام، یعنی عمد در کشیدن سلاح (تجرید السلاح)، سوء نیت خاص، یعنی قصد تعرض به جان، مال یا ناموس مردم، برای تحقق این جرم ضرورت دارد. البته نباید فراموش کرد که، “قصد غیر مستقیم” هم کفایت می کند. بنابراین، هرگاه قصد و نیت اولیه کسی از کشیدن سلاح عبارت از ربودن هواپیما و یا مال دیگری باشد، همین که می داند که این کار وی موجب سلب امنیت خواهد شد، در واقع می توان گفت که قصد غیر مستقیم سلب امنیت را دارد، و در نتیجه، محارب محسوب خواهد شد. از همین رو، ماده ۲۸۱ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲،

“راهزنان، سارقان و قاچاقچیان که دست به سلاح  
ببرند و موجب سلب امنیت مردم و راه‌ها شوند  
محرابند.” به علاوه از متن ماده ۲۷۹ معلوم می‌شود  
که متقن نظر مشهور فقها را که ارتکاب محاربه را از  
سوی مرد یا زن، در شهر و یا خارج از آن را در شب  
یا روز ممکن می‌دانند پذیرفته و از این جهت  
محدودیتی برای شمول ماده قائل نشده است، که در  
واقع همان نظری است که در تحریرالوسیله نیز  
پذیرفته شده است (موسوی خمینی، ۱۴۰۳).

از این گذشته، استفاده از واژه “مردم” در ماده  
۲۷۹، دلالت بر آن دارد که برای صدق عنوان  
محاربه باید نوعی “عمومیت” در جرم وجود داشته  
باشد. از همین رو، در ادامه ماده ۲۷۹ آمده است،

“هرگاه کسی با انگیزه شخصی به سوی یک یا چند شخص خاص سلاح بکشد و عمل او جنبه عمومی نداشته باشد ....، محارب محسوب نمی شود” این شرط توسط اداره حقوقی قوه قضائیه نیز مورد تاکید قرار گرفته است<sup>۱</sup>. نمونه عمل فاقد جنبه عمومی، وقتی است که کسی برای ترساندن یا انتقام گیری از همسایه بر روی وی سلاح سرد کشیده باشد.

در همین جا ذکر این نکته خالی از فایده نیست که “کشیدن سلاح” مستلزم استفاده عملی و شلیک کردن آن نمی باشد. بنابراین، حتی اگر مرتکب

---

<sup>۱</sup>. اداره حقوقی قوه قضائیه، طی نظریه مشورتی شماره ۷/۱۲۵۷ مورخ ۱۳۷۱/۶/۳، ضمن تاکید بر لزوم عمومی بودن عمل اسلحه کشیدن برای شمول ماده ۱۸۳، مواردی را که جنبه عمومی ندارد مشمول ماده ۱۱۳ قانون تعزیرات، مصوب سال ۱۳۶۲ (ماده ۶۶۹ “قانون تعزیرات فعلی”) در مورد تهدید کردن افراد به قتل یا ضررهای نفسی یا شرفی یا مالی یا افشای سر دانسته است.

هفت تیری را که به سوی مردم نشانه رفته شلیک نکند، وی ممکن است، در صورت سلب امنیت مرتکب جرم محاربه محسوب می شود.

## ارکان جرم محارب

همان طور که بیان شد، موضوع جرم محاربه، امنیت و آزادی مردم است و برای تحقق این جرم، لازم است که مرتکب، قصد سلب آزادی و امنیت مردم و ایجاد رعب و وحشت داشته باشد (حبیب زاده، ۱۳۷۹). بر این اساس، ارکان مادی و روانی محاربه با اختصار بررسی می شود (حائری و همکاران، ۱۳۹۱).

۱- رکن مادی محاربه: دو شرط اصلی در تحقق رکن مادی جرم محاربه، به کارگیری سلاح

به صورت علنی است. در مورد معنای سلاح و این که آیا چیزهایی مثل سنگ، چوب، و تازیانه نیز سلاح محسوب می شوند یا خیر، سه نظر میان فقها مشاهده می شود: برخی با اشاره به خبر جابرا از امام محمد باقر (علیه السلام): «من اشأ بحدیده فی مصر قطعت یده و من ضرب بها قتل»<sup>۱</sup> سلاح را محدود به سلاح آهنین، مثل شمشیر، نیزه، قمه، خنجر، و چاقو کرده اند و وسایلی چون چوب و سنگ و تازیانه را از شمول آن خارج دانسته اند چنان چه در تحریر الوسيله آمده است «اگر کسی بدون سلاح به دیگری

---

<sup>۱</sup>. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه (تهران مکتبیت الاسلامیه، چاپ ۵، ۱۴۰۱ قمری، ج ۱۸، باب ۲ از ابواب حد المحاربه، ص ۵۲۸). ترجمه روایت این است: کسی که با آلت آهنین در شهری اشاره خوف انگیز کند، دستش بریده می شود و اگر با آن ضربه ای به کسی وارد کند، کشته می شود.



حمله کند برای اینکه مال او را بستاند یا او را بکشد دفاع جایز است، بلکه در حالت دوم واجب است، حتی اگر به قتل مهاجم بیانجامد ولی حکم محارب در مورد چنین کسی ثابت نیست. اگر کسی با تازیانه و عصا و سنگ مردم را بترساند، ثبوت حکم محارب در مورد او مشکل است، بلکه عدم ثبوت آن در دو صورت نخست (تازیانه و عصا) به واقع نزدیکتر است» (موسوی خمینی، ۱۴۰۳).

نظر دوم: استفاده از سنگ و چوب و عصا و تازیانه و امثال آن‌ها را نیز برای تحقق عنوان محاربه کافی دانسته اند<sup>۱</sup> (طباطبائی، ۱۳۷۹).

---

<sup>۱</sup> شهید ثانی، شرح لمعه، ج ۹، ص ۲۹۲

نظر سوم: از فقها مطلق اخذ بقوه و به کار بردن زور و قهر و عنبه، حتی با استفاده از توان و قدرت بدنی، را کافی می دانند این نظر موسع ترین نظر از میان سه نظر ذکر شده می باشد.<sup>۱</sup>

**۲- رکن روانی محاربه:** مطابق آن چه بیان شد، در یک بررسی دقیق تر، رکن روانی محاربه متضمن هر دو سوء نیت عام و خاص است. سوء نیت عام در محاربه، عبارت است از قصد به کار بردن سلاح که از ظاهر عبارت «هرکس ... دست به سلاح ببرد» در ماده ۲۷۹ ق . م . ا. استفاده می شود و سوء نیت خاص، قصد ایجاد رعب و هراس و سلب امنیت و آزادی مردم است، که بدون آن رکن روانی کامل

نمی شود (پیمانی، ۱۳۷۹؛ شامبیاتی، ۱۳۸۵؛ میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲). بنابراین، رکن مادی و روانی لازم و ملزوم یکدیگرند، به این ترتیب که محارب با سبق تصمیم و اراده ارتکاب جرم، سلاح را آماده نموده و به منظور بردن مال یا ارز دیگری به او حمله کرده و سلاح را به کار می گیرد (گلدوست جویباری، ۱۳۸۷). البته «قصد غیر مستقیم» را نیز می توان در تحقق محاربه کافی دانست؛ لذا هرگاه قصد و نیت اولیه کسی از کشیدن سلاح، بردن مال مردم و نظایر آن ها باشد، همین که وی می داند که این کار، باعث ترسیدن مردم خواهد شد، مشمول ماده ۲۷۹ می شود (میرمحمد صادقی، ۱۳۹۲). شایان ذکر است که حد محاربه به جهت نص آیه محاربه و اجماع

فقها، منحصر در مجازات چهارگانه قتل، صلب، قطع دست و پا در جهت مخالف یکدیگر و تبعید می باشد (حائری و همکاران، ۱۳۹۱).

## راه های اثبات جرم محاربه:

بدیهی است که در جرم محاربه همانند سایر جرایم، تعقیب مرتکب، زمانی امکان پذیر است که شرایط عمومی مسئولیت کیفری را دارا باشد. در فقه از آن به شرایط تکلیف تعبیر می شود، از قبیل بلوغ، عقل، علم و اختیار، به طوری که مرتکب عمل در صورت فقدان هر یک از این شرایط قابل مواخذه و از لحاظ کیفری مورد توجه و بررسی است (صانعی، ۱۳۷۸؛ احمدوند، ۱۳۸۷). فقهای امامیه از جمله شیخ طوسی و صاحب جواهر بر بینه به عنوان یکی از طرق اثبات محاربه اجماع دارند و طبق آنچه که در اکثر کتب

فقهی آمده، ادای شهادت در این مورد باید توسط دو مرد عادل باشد و شهادت زنان، چه منفردا و چه منفعتا پذیرفته نیست. نیز شهادت بعضی از محارب های دستگیر شده به نفع یا به ضرر دیگری پذیرفته نمی شود، چرا که افرادی فاسق هستند و عدالت در شهادت شرط شده است (بجنوردی، ۱۳۸۳؛ محقق داماد، تقی زاده، ۱۳۸۸)

در شرح لمعه نیز آمده یکی از راهای اثبات محاربه شهادت و دیگری اقرار به محاربه است، ولو یک مرتبه، پس شهیدین با تمسک به قاعده «اقرار عقلا علی انفسهم جائز» یک مرتبه اقرار را کافی می دانند و به طور کلی در این مورد اختلاف عمده ای میان کلمات فقها دیده نمی شود. البته امام خمینی

(ره) در تحریر الوسيله از باب احتیاط دو مرتبه اقرار را کافی می‌داند (موسوی خمینی، ۱۴۰۳).

در نتیجه با تکیه بر ماده ۲۱۱ قانون مجازات اسلامی و به استناد نظر مشهور در فقه امامیه، می‌توان گفت که جرم محاربه با علم یقین آور قاضی نیز، به شرط وجود شرایط مذکور در ماده ۲۱۱ و تبصره آن، قابل اثبات می‌باشد و حتی «در صورتی که علم قاضی با ادله قانونی دیگر در تعارض باشد ... آن ادله برای قاضی معتبر نیست...»<sup>۱</sup>.

**شرایط تحقق جرم محاربه:**

**جنسیت:**

---

<sup>۱</sup> ماده ۲۱۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲

اکثر علماء اهل سنت مانند مالکیه، شافعیه و حنبلیه جنسیت را در این جرم موثر نمی دانند، تنها در میان اهل سنت گروهی از حنفیه به علت وجود یک روایت از ابوحنیفه معتقدند که جنسیت دارای اثر است و زن ها مستوجب این حد نمی گردند (عوده، ۱۹۹۴ م). اما در میان فقهای شیعه، تنها تاثیر جنسیت در این جرم به ابن جنید نسبت داده شده است که ایشان فرموده است: با توجه به آیه ۳۳ سوره مائده که لفظ «الذین» و ضمیر مذکر در آن به کار رفته؛ حکم، اختصاص به مردان دارد و شامل زنان نمی شود (شهید ثانی، ۱۳۶۵). هرچند علامه درمختلف الشیعه به نقل از ابن جنید گفته است که زن ها نیز

شامل احکام محاربه می شوند و تنها حکم قتل در مورد آن ها اجرا نمی شود (حلی (علامه)، ۱۴۱۵).

اما در این میان، نادرستی این نظر با توجه به آیات فراوانی که در قرآن کریم لفظ، «الذین» برای مرد و زن به طور مشترک آمده، واضح است، همچنین ملاک و مناط حکم که ایجاد رعب و وحشت در جامعه است به طور یکسان در زن و مرد وجود دارد (احمدوند، ۱۳۸۷).

## تاثیر دین:

هر چند دین «معنی علیه» یعنی آن کسی که ارباب نسبت به او صورت گرفته به نظر برخی از فقها در وقوع این جرم تاثیر دارد (نجفی، ۱۴۰۴)، اما به نظر اکثر فقها، این جرم با کشیدن سلاح و ترساندن هرکس که ترساندنش در دین حرام است



محقق می شود و فرقی بین مسلمان و غیر مسلمان در این جهت نیست. صاحب جواهر در این خصوص می گوید این نظر موافق با عموم کتاب، سنت و اجماع فقها باشد (نجفی، ۱۴۰۴). امام خمینی (ره) نیز با این نظر موافق است (موسوی خمینی، ۱۴۰۳).

اما در صورتی که محارب مسلمان نباشد، شیخ طوسی در المبسوط فی فقه الامامیه<sup>۱</sup> می فرماید: کفار زمین به محض ارتکاب سرقت مسلحانه و راهزنی و ایجاد رعب و وحشت از ذمه خارج شده و مشمول احکام کفار حربی می شوند از طرفی « اقلیت های مذهبی در صورتی که در قلمرو حکومت اسلامی مرتکب عملی شوند که از نظر اسلام جرم به شمار

---

<sup>۱</sup> طوسی، المبسوط فی فقه الامامیه، ج ۷، ص ۴۷

رفته و بر آن مجازاتی مقرر شده باشد، طبق مقررات اسلامی مجازات خواهد شد. مگر در یک مورد و آن در صورتی است که عمل مذبور در آیین مذهبی آنان عملی مجاز تلقی گردد و از آن ضرری برای دیگران نباشد و نیز در این مورد تصریحی بر متن قرارداد ذمه قید نشده باشد (عمید زنجانی، ۱۳۶۷).

از نظر دلیل نیز عموم آیه شریفه با اصل عدم تقصیص و عدم تقیید هم موافق است و ترساندن مردم از هر کس انجام شود، مشمول عنوان محاربه می شود و می توان گفت که اساسا عنوان محاربه با خدا و رسول قابل تخصیص نیست (احمدوند، ۱۳۸۷).

**قصد، جنبه عمومی و توانایی ارباب**

**الف - قصد ارباب:**

از شروط اصلی و ارکان جرم محاربه، قصد ایجاد رعب و وحشت در جامعه می باشد که غالب فقها حتی در تعریف خود به آن تصریح نموده اند. به برخی از آن ها در زیر اشاره شده است:

۱. علامه حلی در الارشاد الاذهان الی احکام الایمان می فرماید «محارب عبارت است از کسی که برای ترساندن مردم سلاح برهنه کند» (حلی، ۱۴۱۰)

۲. شهید ثانی<sup>۱</sup> در تعریف خود به این شرط اشاره می کند و می گوید: «محاربه عبارت است از برهنه کردن سلاح برای ترساندن مردم» و همچنین

---

<sup>۱</sup>عاملی (شیخ ثانی)، ج ۹، ص ۲۹۰